

خدایا فوق العاده هستی!

خطبه ای درباره صعود به آسمان

اول پادشاهها ۲۹-۲۲؛۸



22 آنگاه سلیمان در حضور تمامی جماعت اسرائیل، مقابل مذبح خداوند ایستاد و دستهای خود را به سوی آسمان برافراشت 23 و گفت: «ای یهوه، خدای اسرائیل، خدایی چون تو نیست، نه بالا در آسمان و نه پایین بر زمین. تو خدایی هستی که عهد و محبت خود را با خادمانت که با تمامی دل در حضور تو سلوک می‌کنند، نگاه می‌داری. 24 تو آن وعده را که به خدمتگزارت، پدرم داوود دادی، وفا کردی؛ تو آنچه را که به دهان خود وعده دادی، به دست خویش به انجام رسانیدی، چنانکه امروز شده است. 25 پس حال ای یهوه خدای اسرائیل، آن وعده را که به خدمتگزار خود، پدرم داوود دادی، وفا کن، که فرمودی: "تو هرگز کسی را که در حضور من بر تخت پادشاهی اسرائیل بنشیند، کم نخواهی داشت، تنها به شرطی که پسرانت مراقب راههای خود باشند و مانند تو در

حضور من گام بردارند." 26 پس اکنون ای خدای اسرائیل، تمنا اینکه کلامی که به خدمتگزار خود، پدرم داوود فرمودی، به ثبوت برسد. 27 «ولی آیا خدا برآستی بر زمین ساکن خواهد شد؟ اینک آسمانها، حتی رفیعترین آسمانها، گنجایش تو را ندارد، چه رسد به این خانه که من بنا کرده‌ام! 28 با این همه، ای یهوه خدای من، به دعا و التماس خدمتگزارت توجه فرما و به فریاد بندهات و دعایی که امروز به حضور تو می‌کند، گوش فرامده: 29 چشمان تو روز و شب بر این خانه گشوده باشد، بر مکانی که درباره‌اش فرمودی: "نام من در آن خواهد بود"، تا دعای خدمتگزارت را که به سوی این مکان می‌کند، بشنوی.

انسان‌ها همیشه از نگاه کردن به آسمان شگفت زده شده‌اند. و همیشه گفته‌اند که ای خدا تو چقدر کارهای بزرگی را انجام داده‌ای و خلق کرده‌ای و هیچ کس نمی‌تواند آن‌ها را بشمارد. امروز ما قصد داریم به مناسبت صعود عیسی به آسمان به همراه شاگردان عیسی و سلیمان به آسمان بنگریم. حال ببینید: بله آسمان اینجا نیست.

و باز هم ببینید: در اینجا موضوع بر سر کجا قرار داشتن آسمان نیست بلکه موضوع بر سر یک شخص است.

و باز هم ببینید: بله بهشت و آسمان همینجا در کنار ما است.

در آن زمان‌ها شاگردان عیسی شروع به بالا رفتن از کوهی در نزدیکی اسرائیل می‌کنند. من می‌توانم حدس بزنم که در سر آنها چه می‌گذشت. آنها حتماً با خود می‌گفتند که: ای عیسی ایا ما می‌توانیم دوباره تو را در اینجا و در آسمان ببینیم. ولی آنها نتوانستند او را در آنجا با چشم‌های خودشان ببینند. احتمالاً نیز فرشتگان از آنها می‌خواستند بپرسند که شماها در آسمان دنبال چه هستید؟

تصوری که ما از آسمان و بهشت داریم به یک شکل دیگری می‌باشد. دقیقاً همانند آن زمانی که شاگردان عیسی به دنبال او در آسمان‌ها می‌گشتند. این را باید حتماً سلیمان نیز تجربه کرده باشد. بعد از زمان‌های دراز و زحمت‌های فراوان و خرج‌های سنگین بالاخره آن معبد بزرگ ساخته می‌شود. چه چیز فوق العاده‌ای هم ساخته می‌شود. زیرا در آن زمان‌ها کسی نتوانسته بود تا آن زمان بنایی به آن عظمتی بسازد. برای همین خیلی از مردم به این باور شدند که خدای زنده در آنجا زندگی می‌کند. ولی سلیمان در آن لحظه یک نظر دیگری داشت و برای همین خیلی غمگین بود. ایا این معبد می‌تواند خدای به این بزرگی را در خود جای دهد؟ او بدین ترتیب کنایه و تلنگری به ما و به شاگردان عیسی که در بالای کوه ایستاده بودند و در آسمان‌ها به دنبال عیسی بودند می‌زند. خدا کجا است؟ آسمان و بهشت کجا قرار دارد؟ در شهر لایپزیک انسان‌های زیادی اعتقاد دارند که نه خدایی و نه بهشتی وجود دارد. بنابراین این مسئله کاملاً در مغزها طوری نشسته است که تصور می‌شود که این بی‌ایمان‌ها به خداوند اعتقادی نداشته باشند. وقتی که ما صحبت از صعود کردن عیسی به آسمان می‌کنیم کودکان فقط به یاد سوپر من می‌افتند که بدون هیچ مشکلی از ما بین ابرها در آسمان‌ها پرواز می‌کند. او صورت جذابی دارد ولی او توانایی دیگری ندارد. ولی در ادامه این کودکان از ما یک سوال بسیار مهمی و سختی را با کنجکاری می‌پرسند. پس کجا هست آن خدایی که شما به آن ایمان دارید؟ و یا شما می‌گویید که من ایمان دارم به یک خدایی، حال به من بگویید که چه حسی در اینباره دارید؟ ایا شما می‌توانید

یک جوابی به این سوال ها بدهید؟ وقتی زمانی صحبت بر سر چالش کلمه "کجا" می شود ما دیگر نمی توانیم جوابی بدهیم. و فرقی هم نمی کند که آن مکان مربوط به جایی در آسمان ها باشد و یا جایی در وجود ما که ایمان در آن قرار دارد. و برای همین ما مسیحیان همانند بی خدایان بایستی زیر این آسمان سیاه بایستیم و همانند سلیمان بگوییم که امکان ندارد خدای به این عظیمی در این جهان ما جای بگیرد و همانطور این خدا را با این بزرگی من چطور می توانم در مغز خودم بگنجایم؟ و چه کلماتی را من می توانم بگویم که خدا با آنها در من تاثیر می گذارد؟ بنابراین آسمان و بهشت در نزد ما نیست بلکه در جای دیگری.

در اینجا مهم نیست که ما بدانیم بهشت و آسمان ها کجا قرار دارند. همچنین در این روز موضوع بر سر این نیست که بهشت در کجا قرار دارد. ما باید بدانیم که در آنجا هیچ فرشته ای قرار ندارد و نمی گوید که: ای شاگردان عیسی، شما دوست دارید بدانید که عیسی کجا رفته است و من هم الان به شما می گویم که او کجا رفته است. مهمترین مسئله این است که شما راه رفته شده او را پیدا کنید و مناسب ترین مسیریاب را در این مورد باید بکار ببرید. نخیر در اینجا موضوع بر سر این نیست که عیسی به کجای بهشت صعود کرده است بلکه باید این را بدانیم که او چه کسی می باشد. در آن زمان ها ابرها نشانه ای از خداوند بودند و برای همین صعود عیسی به ابرها نشانه این بود که ابرها یعنی همان خدا، او را احاطه کرده اند. و او نیز در ابرها سفر کرده است. کسی که می خواهد چیزی راجع به خدا بداند فقط باید از طریق عیسی به آن پی ببرد. و این عیسی فقط در پیش خداوند نیست بلکه او در نزد همه و همچنین در همه جای دنیا است. و این به این معنی نیست که او برای همیشه در بهشت باقی مانده است. در آشکارترین نکته این روشن شده است که خدا درهای بهشت را باز کرده و روح خودش را برای همه مردمان فرستاده است و او در همه جا حضور دارد. و همه به آن ایمان آورده اند و معنی این کلمه را متوجه شده اند که خدا می گوید: من تا آخرین روز در کنار شما باقی خواهم ماند. هیچ کدام از این انسان ها نیازی ندارند که به آسمان نگاه کنند و دنبال عیسی باشند. دیدن خداوند می تواند به چه معنی دیگری برای همه داشته باشد بجز اینکه من تا آخرین روز در کنار شما هستم. موضوع قابل توجه این است که آنها این را دیدن و یاد گرفتن که چطور درهای بهشت باز شد و روح خدا بر آنها نازل گردید. و آنها این قدرت روح القدس را می توانستند ببینند که چطور عیسی در آنها و در همه جا حضور دارد. برای همین ما در روز پنطیکاست می توانیم بیشتر از سلیمان در این باره صحبت کنیم. ما نباید با ناراحتی این را عنوان کنیم که خدا در پیش ما وجود ندارد. بلکه ما از طریق عیسی این را می توانیم بگوییم که خدا در نزد ما وجود دارد. و با این طرز فکر ما می توانیم درباره عیسی به بهشت و آسمان بنگریم و تفکر نماییم. و ما این را دیگر می فهمیم که چرا عیسی همه جا و یا چرا در هر مراسم حتی دوفره نیز حضور دارد. حتی زمانی که گروه کوچکی از مسیحیان در میان بی خدایان مراسمی انجام می دهند باز هم عیسی در آنجا حضور دارد. و حتی زمانی که با نام و درباره نام او صحبت کنیم و اطراف ما پر از ادم های بی ایمان باشند باز هم او در کنار ما قرار دارد.

شاگردان عیسی این را دیده بودند که عیسی خودش همان شکل خداوند است که در نزد آنها حضور دارد. و همه چی بر می گشت به عیسی که او خود خداوند است که در نزد آن شاگردان حضور داشت. ما می توانیم به عیسی اعتماد کنیم زیرا تنها او بر شیطان پیروز گشت. او بود که فقط به تنهایی رستخیز کرد و مرگ را نابود کرد. همچنین اگر با وجود اینکه خدا همه جا است و ما نمی توانیم خودمان را از او مخفی کنیم او خودش را آشکار ساخت مگر با حضور خود در عیسی. آن زمانی که سلیمان آن معبد بزرگ را ساخت با خودش این فکر را کرد که این امکان نمی تواند داشته باشد که خدای به این بزرگی را در این مکان کوچک جای و قرار داد. در ادامه او از اینکه خداوند در آنجا ظاهر می شود تعجب می کند. یکی می گوید که این امکان ندارد که خدا در جایی که انسان بنا نهاده است ظاهر گردد. شخص دیگری می گوید: چرا خدا در این لحظه و در اینجا باید ظاهر شود؟ و یا می گویند که چرا در این عیسی باید خدا خودش را به ما نشان دهد و یا چرا عیسی، نان و شراب را با خود یکی می داند؟ آیا این امکان دارد که خدا در یک تکه نان و شراب باشد؟ این سوال ها از قدیم تا به امروز وجود داشته و سلیمان نیز بایستی در مقابل اینگونه سوال ها عکس العمل نشان می داد. ولی موضوع قابل توجه این بود که خدا به هر حال آنجا حضور داشت. ولی این امر فقط بخاطر این اتفاق افتاده است که خدا فرمود: زیرا تو به من گفتی که نام من در آنجا جاری شود و خدا دوست دارد که دعای ما را در این مکان بشنود. و این امر به خودی خود شکل نگرفته است بلکه این خود خدا بوده است که اینگونه خواسته و گفته است. این امر دقیقاً در عیسی مسیح نیز صدق می کند. و تمام راه نجات ما در او نهفته است و ما هم به همین دلیل به او بله می گوییم و همیشه ندای او را که به سوی ما می آید جدی می گیریم. تا ما نام او و خود او را در همه جا به ارمغان ببریم.

ما همیشه به آسمان جایی که بی پایان است می نگریم. ولی این بهشت فقط در آسمان ها نیست بلکه آن در بین ما مسیحیان نیز قرار دارد. حتی آن چیزهایی که در زندگی مان هستند گوشه ای از آن بهشت هستند که ما نمی توانیم به خوبی آنها را تشخیص دهیم. بله حتی جایی که آسمان سیاه است و بی خدایان آنجا حضور دارند بایستی در همانجا نیز بهشت برقرار گردد. حتی در جایی که انسان هایی با قلبی از سنگ دارند و خدای زنده را نمی توانند بشناسند بایستی بهشت خدا بوجود آید. بخاطر اینکه عیسی در آنجا حضور دارد. آمین